

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"در درگاه احدیت عملی مبرورتر از القای سرور در قلوب یاران نه. باید هر یک از دوستان به جان و دل در تفریح و تسریر و شادمانی همگان کوشد."

عنوان : سرور حقیقی

قسمت روحانی

۱- مناجات شروع

۲- مناجات دوم

۳- نصوص حضرت بهاء الله

۴- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

۵- نصوص مبارکه حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

۶- سرور دائمی

۷- گشایش قلوب

۸- پیام بیت العدل اعظم الهی

۹- حکایت

۱۰- شور و مشورت

۱۱- برنامه نوجوانان و نونهالان عزیز

قسمت اجتماعی

۱۲- تنفس و پذیرایی

۱۳- مناجات خاتمه

ياران معنوی الله ابھی

برنامه ای که تحت عنوان "سرور حقیقی" تقدیم میگردد قصد دارد از طریق تأمل بر آثار مبارکه و هدایات الهیه معنای واقعی سرور را متذکر دارد و عوامل دخیل در بهره مندی از سرور دائمی را بر شمارد و از سوی دیگر به اهمیت سرور بودن و نیز مسرور نمودن سائرین پردازد

امید آنکه تأمل در مواضع مطروحه، هر یک از ما را بر آن دارد که نه تنها برای ایجاد سرور حقیقی در قلب خود تلاش نمائیم بلکه بتوانیم شادی و سرور واقعی را به دیگران نیز هدیه دهیم

در پناه تأییدات الهیه همواره مسرور باشید

يا الهی و ربی و مولائی، استغفرک من کُلِّ لَذَّةٍ بَغَيْرِ حُبِّک و من کُلِّ راحَةٍ بَغَيْرِ قُرْبِک و من کُلِّ سُورٍ بَغَيْرِ رِضاک و من کُلِّ بَقَاءٍ بَغَيْرِ اُنْسِکَ...

منتخبات آثار حضرت نقطه اولی ص ۱۵۵

۳- نصوص مبارکه حضرت بهاء الله

سرور حقیقی

إفْرَحِ بِسُرورِ قَلْبِک لِتَكُونَنَّ قَابِلًا لِلِقَائِی و مِرَاتًا لِجَمالی ۱

ذکر حق مایه سرور

فرح و نشاط الیوم در ذکر حق و تمسک به او بوده و هست. ۲

بنام دوست یکتا امروز باید دوستان الهی به افق اعلی ناظر باشند و از شئونات مختلفه دنیا محزون نباشند. امروز آفتاب بهجت از افق عالم مشرق و بحر سرور امام وجوه ناس موجود و مشهود. آن افرحوا یا احباء الرحمن بذكری ثُمَّ اشربوا رحيقَ السرور باسمی البديع. ۳

سرور فقط در حب الهی است

هو الله، ای صغری بشنو صریر قلم اعلی را و از ماسوی الله بگذر. به یادش خرم باش و به ذکرش مسرور. قسم به جمال قدم که اگر ناس در جمیع سماوات و ارض سیر نمایند و تفحص کنند، ابدأ فرح و سرور نخواهند یافت الا در حبش. پس جهد نما که به اکلیل حبش ما بین اماء الله مزین گردی. والزوح علیک. ۴

۲- آیات الرحمن ص ۳۰۱

۱- کلمات مکنونه عربی

۴- مجموعه آثار قلم اعلی شماره ۳۸ ص ۸۱

۳- آیات الهی ج ۲ ص ۳۶۹

هو الله

ای بخشندهء مهربان یاران را دل و جان شادمان کن و روح و وجدان جتت رضوان فرما در هر دمی تأییدی جدید بخش و در هر نفسی نفس رحمانی بفرست. نفوس را آیات هدی کن و وجوه را سُجْج ملاً اعلیٰ. زبانها گویا کن و گوشها شنوا نما تا ترتیل آیات تقدیس کنند و استماع الحان بدیع از ملکوت جدید. هر یک را کوکبی کن و از افق موهبت کبری، درخشنده فرما تا از مشرق هدی بر قرون و اعصار بتابند. توئی مقتدر و عزیز و بخشنده و دانای اله الا انت العزیز المُستعان.

ع ع

مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء شماره ۳۶۶

۴- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

هو الاهی

ای مُستبشر به بشارات الله، نسیم لطیفی چون بر جسم ضعیفی مرور نماید، نشاط و انبساط یابد و حیات و انتعاش جوید. پس ملاحظه فرما که نفحات ملکوت ابهی چون بر ساحت قلوب احباء مرور نماید، چه نماید. شبهه نیست که جان بخشد و حیات طیبه میذول دارد؛ وَجَد و طَرَب آرد؛ شوق و وَلَه افزایش. پس هر نفسی را الیوم مُستبشر بینی، بدان از نفعه الهی چون گل شکفته است و هر نفسی را افسرده و مخمود یابی، بدان از سُموم غفلت، پژمرده است. والبهاء علیک ع ع

مجموعه مکاتیب شماره ۱۳ ص ۲۱۳

۷- گشایش قلوب

جمعیت زیاد بود منزل گنجایش نداشت؛ مسیس کروپر عرض کرد: منزل کوچک است؛ گنجایش احباب ندارد؛ فرمودند:

منزل کوچک نیست؛ باید قلوب وسعت داشته باشد. در عکا اوائل ورود در یک اطاق سیزده نفر منزل داشتیم. من از خدا میخواهم که قلوب را گشایش بخشد. یاران را وسعت عطا فرماید و گشایش قلوب ممکن نیست جز به محبت الله. اگر گشایش از امور دیگر حاصل شود، عَرَضی است؛ موقت است؛ زود به تنگی تبدیل میشود. اما سرور و گشایشی که به محبت الله باشد، ابدی است. همه سرور و لذائذ دنیوی از دور جلوه ئی دارد لکن چون نزدیک شود سراپست و نمایشی بی حقیقت.

خطابه مبارک ۸ سپتامبر ۱۹۱۱

حضرت ولی محبوب امرالله میفرماید:

تحقق آرزوهای شخصی در زندگی به ندرت برای ما شادی به همراه میآورد؛ بلکه بر عکس معمولاً آرزوهای جدیدی را بر می انگیزد. ولی اگر خود را در وظایف خویش غرق کنیم، وظایفی که در مقام یک انسان نسبت به خانواده و اطرافیان خود و در مقام یک فرد بهایی نسبت به امرالله داریم و به تمام قوا با توجه به وضع و امکانات موجود به انجام آن پردازیم به تدریج معنای واقعی شادی را درخواهیم یافت.

نامه مورخ ۵ ژوئن ۱۹۵۶ از جانب حضرت ولی عزیز امرالله خطاب به یکی از احباء

به نظر شما بر طبق بیان فوق انجام چه وظایفی شادی حقیقی را برای ما به ارمغان میآورد؟

۵- مجموعه نصوص مبارکه حضرت عبدالبهاء

یار مهربانا من و تو هر دو بنده این آستانیم و خادم و پاسبان. بیا دست در آغوش یکدیگر نماییم و به جان و دل بکوشیم و بجوشیم و بخروشیم؛ شاید بدرقه عنایت رسد و گوی خدمتی از میدان عبودیت بربائیم. آن وقت سرور اندر سرور است و حُبور اندر حُبور؛ روح و ریحان است و نشئه صهبای خُمخانه جانان؛ کأس طهور است؛ میزاجها کافور است؛ حشر و نشور است؛ موهبت ربّ غیور است؛ نور علی نور است. این مواهب در عبودیت آستان مقدس پرتو افکند و جلوه نماید و رخ بگشاید ... ۱

در درگاه احدیت عملی مبرورتر از القای سرور در قلوب یاران نه. باید هر یک از دوستان به جان و دل در تفریح و تسریر و شادمانی همگان کوشد؛ جان و مال دریغ ندارد؛ بلکه هر یک در سیل دیگری جان فدا نمایند. این است اُس اساس دین الله و این است برهان و صداقت و استقامت و ثبات در میثاق الله. ۲

تو باید همیشه مسرور باشی و با اهل انبساط و سرور محشور و به اخلاق رحمانی متخلّق؛ زیرا سرور مدخلیت در حفظ صحت دارد و از کدورت، تولّد امراض میشود. آنچه مایه سرور دائمی است، روحانیت است و اخلاق رحمانی که حُزنی در پی ندارد؛ اما سرور جسمانی در تحت هزار گونه تغییر و تبدیل است. ۳

۱- اخبار امری شماره ۱۶، سال ۵۴، ۲۹-۱۰، دیماه ۱۳۵۴

۲- مجموعه مکاتیب شماره ۸۹ ص ۱۶۳

۳- پیام آسمانی جلد ۲ ص ۲

چون جمعی از احباب بشرف لقا مشرف گشتند نطق و بیانی از سرور الهی و مسرت روحانی فرمودند که: این سرور دائمی است و سبب انبساط دل و جان در جمیع عوالم الهی، چون انسان سرورش به فیوضات الهیه باشد در هیچ حالی محزون و مغموم نشود؛ ولو حوادث دنیا بر وفق مرام او نباشد و گردش روزگار ترویج آمال و افکار او ننماید؛ بلکه توکل و اعتماد به اراده و مشیت الهی انسان را به جائی رساند که با وجود سعی و اهتمام در امور، آرزوئی جز آنچه واقع میشود ندارد و خواهشی غیر از آنچه پیش میآید، ننماید. در آن حالت جمیع امور را موافق میل و اراده خود بیند و مُرّوج عزّت و آسایش خویش شمرد؛ جز اطمینان، اضطرابی نیابد و غیر از صلح و صفا، جنگ و جفائی نجوید. چنین سروری دائمی است و چنین مقامی سبب حیات ابدی. من از برای شما این مقام را میخواهم. به این مقام نجاج و فلاح حاصل شود نه سروری که قابل تغییر و تبدیل باشد. سروری که از امور جسمانی است لابد او را انقلاب اخذ نماید؛ چه که انسان روزی سالم است روز دیگر مریض؛ وقتی غنی است و وقت دیگر محتاج؛ زمانی در راحت است و زمان دیگر مبتلای زحمت؛ همیشه فکرش مُشوّش است و هر آنی روحش به عذابی مُعذّب؛ ولکن چون قلبش متوجه به ملکوت الله باشد و سرورش به فیوضات افق اعلی از هر حُزنی آزاد شود؛ دل به جهان الهی بندد؛ غمخوار عالم انسانی گردد و مُرّوج آثار و اسرار رحمانی. انتهی

بدایع الآثار جلد ۲ ص ۳۳۲ و ۳۳۳

۸- پیام بیت العدل اعظم الهی

بیت العدل اعظم میفرمایند:

یکی از علائم جامعه مُنحط، علامتی که در دنیای امروز کاملاً واضح و مشهود است، شوق تقریباً دیوانه وار به لذّات و تفریحات، میلی سیری ناپذیر به سرگرمیها، تعلق تام متعصبانه به بازی و ورزش، اکراه نسبت به برخورد جدّی با امور و نگرشی ملامت بار و تمسخرآمیز نسبت به فضیلت و ارزش خالص و تام است. احتراز از مشتتهیات نفسانیه بر آن دلالت ندارد که فرد بهائی باید عبوس و تُرش رو و دائماً جدّی و رسمی باشد؛ مزاح، مسرّت، سرور از خصوصیات حیات واقعی بهائی است. مشتتهیات، یکنواخت میشود و سرانجام به ملالت و بیهودگی منجر میشود؛ اما مسرّت و شادمانی و خوش مشربی که بخشی از زندگی متعادل است که شامل تفکر جدی، شفقت و عبودیت متواضعانه حق میشود، خصوصیتی است که زندگی را پر بار میسازد و بر طراوت آن میافزاید.

پیام مورخ ۱۲ ژانویه ۱۹۹۷

هُوَ اللَّهُ

ای خداوند مهربان قلوب را به نور هدایت کبری مَنور فرما. جانها را به بشارت عظمی حیات بخش. چشم ها را به مشاهده انوارت روشن کن. گوشها را به استماع ندایت، شنوا فرما. ما را در ملکوت تقدیست داخل نما و بنفثات روح القدس زنده کن. حیات ابدیه بخش. کمالات آسمانی عطا فرما. خداوندا جانهای ما را فدای خود کن و ما را روح جدید کرم نما. قوتی آسمانی ده، سرور ابدی بخش، موقّق به خدمت عالم انسانی نما، سبب الفت بین قلوب کن. خداوندا ما را از خواب بیدار فرما و عاقل و هوشیار کن تا به اسرار کتاب مقدّست واقف گردیم و به رموز کلماتت پی بریم توئی مقتدر، توئی دهنده، توئی مهربان. ع ع

مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء شماره ۳۹۱

۹- حکایت

میزبان مقدمه ای چید که سپس حضرت عبدالبهاء در امور روحانی خطاب به ای فرمایند ولی هیکل مبارک فرمودند آیا ممکن است حکایتی بیان نمایند و بعد یکی از هزاران حکایات شرقی را که میدانستند بیان فرمودند و جمیع از صمیم قلب در انتهای قصه خنده وافر کردند. از این داستان حالت و محبت و خشکی و انجماد اجتماع بر هم خورد و دیگران هم داستانهائی که به مناسبت داستان هیکل مبارک بخاطرشان رسید، بیان کردند. چهره حضرت عبدالبهاء از سرور میدرخشید و چند قصه دیگر بیان فرمودند و صدای خنده خودشان در فضا طنین انداز شد و بعد فرمودند شرقیها قصص بسیاری دارند که جوانب مختلفه حیات را بیان مینماید و بسیاری از آنها بسی شیرین و خوشمزه اند. انسان خوب است که بخندد. خنده راحتی روحانی میآورد. وقتی ما در زندان بودیم و تحت محرومیت و شکنجه بی اندازه بسر میبردیم؛ هر یک در انتهای روز یکی از خوشترین حوادث را بیان میکرد و اکثر اوقات مسجونین بحدّی میخندیدند که اشک بر گونه ها فرو میریخت. سعادت هرگز مربوط به اوضاع مادی ظاهری نیست اگر چنین بود که سالیان دراز زندان خیلی به حزن و سختی میگذشت ولی چنین نبود. در نهایت درجه سرور و روحانیت گذشت.

درگه دوست ص ۱۶۱